

درس ۵ علوم و فنون ۱

عوامل تأثیرگذاری شعر: وزن، عاطفه و خیال

وزن: آشکارترین ابزار موسیقایی شعر

با تمرین‌های شنیداری، سواد شنیداری و موسیقایی پرورش می‌یابد.

تُ از هر در **کِ** با **ز** ای **بِ** دین خو بی **یُ** زی با بی
رکن اول رکن دوم رکن سوم رکن چهارم

هجاء/ بخش **کِ** **بِ** **بِه** (میوه) **با** **بام**

رکن = هجا + هجا + هجا / هجا + هجا + هجا + هجا

ارکان = رکن + رکن + رکن + رکن / رکن + رکن + رکن + رکن

ارکان < رکن < هجا

حرف: شکل نوشتاری

ظ ض ذ ز س ث ص ه ح

واج: صدا و شکل تلفظ حروف ۲۹

H کوچکترین واحد آوایی زبان S Z

واج صامت (بی‌صدا) ۲۳

ء ب پ ن ه ی

واج مُصَوِّت (صدادار) ۶

کوتاه: - - -

بلند: آ او ای

مصوت های بلند در شمارش صدا، ۲ تا حساب می شوند A: آ + ء + ؤ OO: ؤ + ء + ؤ E: ء + ء + ؤ

برای نشان دادن تمایز بین حرف و واج، واج ها را داخل // می گذاریم. ی: حرف ی / ای / واج ی

ی: یوسف صامت وحید مصوت

و: وحید صامت یوسف مصوت

هـ: گره گروه

ـ: بچه خانه طیبه

یاسمین ی ۱ صامت ی ۲ مصوت وُرود

شیدا: صامت شیلا: مصوت

سودابه: مصوت سودا: صامت

داوود و ۱: صامت و ۲: مصوت

نور: مصوت واحد: صامت

انواع هجا/ بخش

۱. کوتاه (۲صدا) صامت + مصوت کوتاه U ت ک ب

۲. بلند (۳صدا) صامت + مصوت کوتاه + صامت — تب گه به

صامت + مصوت بلند — تا کو با

۳. کشیده (حداقل ۴ صدا) **U_** صامت + مصوت بلند + یک یا دو صامت تاب کوه باد
کارد

صامت + مصوت کوتاه + دو صامت تُرد کِرم بُرد

است: ء + _ + س + ت

خواب (خاب)

سیب: س + ی مصوت ۲ + ب

* یک هجا ممکن است ۱ تا ۳ صامت داشته باشد اما فقط ۱ مصوت خواهد داشت؛ بنابراین تعداد هجاها با تعداد مصوت‌ها برابر است.

* در زبان فارسی هیچ هجایی با مصوت آغاز نمی‌شود. ءآب: U_ ءاز: _

* مصوت بلند پیش از «ن» ساکن کوتاه حساب شود.

باد: U_ ب + ء + ا + د بان: _ ب + _ + ن بام: U_ چون: _ چوب: U_ بان = بَن چون = چُن نون = نُن

* شعر را همانگونه که می‌خوانیم و می‌شنویم، می‌نویسیم نه با املای درست (خط عروضی)

خواهر: خاهر تو: ت که: ک خویش: خیش بازی و: بازی ی دُر: دُرر در این: دَ رین

* هجای کشیده = هجای بلند + هجای کوتاه U_ + _ = U_

* هجای پایانی اوزان شعر فارسی همیشه بلند حساب می‌شوند هر چند کوتاه یا کشیده باشند.

بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش

بُ خُرُ تَا تَ وَا نِي بَ بَا زُو يَ خِي ش

- - U - - U - - U - - U

ش: کوتاه است اما چون هجای آخر هست، بلند محسوب شده

كِ سَعِ يَتِ بٌ وَا دَرِ تَ رَا زُو يَ خِي ش

* هجای رکن آخر حتماً بلند خوانده می شود

تساوی مصرعها

_____	_____
_____	_____
_____	_____
_____	_____

شعر سنتی / کلاسیک

.....

_____ / _____

شعر نو

وزن شعر، نظمی است مبتنی بر کمیت هجاها: بر پایه چینش هماهنگ هجاهای کوتاه و بلند استوار است

ه ر د مَ زین با غ بَ ری

واحد شمارش شعر: بیت واحد وزن شعر: مصراع

*نکات مهم در خوانش درست شعر

۱. کسره اضافه

۲. حذف یا حفظ همزه طاعت آن نیست طاعتان نیست تازه تراز: تا ز ت رَز

۳. واو (۱. تبدیل به ـ ۲. حذف همزه بعدی و اتصال به حرف بعد) آن چه رفتارست و قامت وان چه گفتار و قیامت!

۴. او (۱. ـ : ت U ۲. او: بو - ۳. واو معدوله: فردوسی، رو (برو)، نو -

۵. تشدید: درتده: در رَن دِ

۶. بیا: ب یا خیال: خ یال

*نوشتن با خط عروضی تو: ت رفته است: رف است عشق و: عشق ق که: ک چه: چ

خویش: خیش چون: چُن

مصراع = ارکان < رکن < هجا

تقطیع: تقسیم شعر به هجاها و ارکان

مَ رَن جان دِ لَم را کِ این مُر غِ وَح شی

— — U — — U — — U — — U

زِ با می کِ بَر خا ست مُش کِل نِ شی نَد

ص ۱۲. درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم و هشتم و نهم

(۲ نمره پایان ترم اول)

۰,۵ نمره پایان ترم دوم

قرن هفتم

سال گذشته با تاریخ ادبیات ایران در قرن‌های اولیه هجری تا قرن ششم آشنا شدیم و دریافتیم که برخی از عوامل سیاسی و اجتماعی مثل روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی، سلجوقی و تغییر مرکز ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم، زمینه‌های تغییر سبک را در متون زبان فارسی پدید آورد و خواندیم که سبک‌های بینابین و آذربایجانی از سبک خراسانی فاصله گرفتند و کم‌کم سبک عراقی پدید آمد.

سبک عراقی از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم به مدت ۳۰۰ سال، سبک غالب متون ادب فارسی بود. مغولان در اوایل قرن هفتم (۶۱۶ هجری قمری) به نواحی مرزی ایران حمله کردند و بعد به تدریج بر نواحی دیگر هم چیرگی یافتند و به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی ایران آسیب‌های عمده‌ای رساندند. خراسان که کانون فرهنگی ایران بود ویران شد و بسیاری از مدارس که مهد علم و فرهنگ بودند، از بین رفتند و بزرگانی چون نجم‌الدین کبری و فریدالدین عطار نیشابوری در یورش ویرانگر مغول کشته شدند. کمال‌الدین اسماعیل، مداح جلال‌الدین خوارزمشاه که خود در سال ۶۳۵ هجری قمری به دست مغولان در اصفهان کشته شد، درباره قتل عام سال ۶۳۳ ه. ق در اصفهان می‌گوید:

کس نیست که تا بر وطن خود گرید بر حال تباه مردم بد گرید

دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود امروز یکی نیست که بر صد گرید

با حمله ویرانگر مغولان و بعد از آن، هجوم وحشیانه تیمور و حکومت ظالمانه این دو، نه تنها بناها و آبادانی‌ها بلکه بنیان فرهنگ و اخلاق نیز تباه و ویران گردید و دوستداران فرهنگ و اخلاق که سرخورده و مأیوس شده بودند، اغلب منزوی شدند و به تصوف پناه بردند تا به آرامش برسند و برای تسکین خود به ادبیاتی روی آوردند که بر عواطف انسانی، ترویج روحیه تسامح (مدارا) و تساهل (آسان گرفتن بر یکدیگر)، خدمت به خلق، آزادگی و اعتقاد به بی‌ثباتی دنیا تکیه داشت.

در اواخر دوره مغول، بساط حکومت آخرین خلیفه عباسی، المستعصم بالله برچیده شد و با توجه به پایان یافتن خلافت، زبان رسمی و رایج عربی از رواج افتاد و توجه به زبان فارسی که زبان توده مردم بود، رونق بیشتری گرفت.

دلیل نام‌گذاری سبک این دوره به «عراقی» این است که بعد از حمله مغول کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم منتقل شد. (اولین نشانه‌های تغییر سبک از زمان سلجوقیان آغاز شده، اما خراسان هنوز به طور کامل ویران نشده بود) و شاعران و نویسندگان بزرگ در این دوره غالباً از اهالی شهرهای عراق عجم (اصفهان، همدان، ری، اراک کنونی و ...) بودند.

وضعیت زبان و ادبیات فارسی در این دوره، مثل بسیاری از دانش‌های دیگر، با دوره‌های پیش از خود متفاوت شد و به نوعی دچار سستی و نابسامانی گردید؛ چرا که بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته و یا متواری (پنهان) شدند و دیگر از دربارهای ادب‌دوست و خاندان‌های فرهنگ‌پرور خبری نبود؛ اما در کنار این عوامل مخرب و منفی، در این دوره عوامل مثبتی نیز وجود داشت که رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادیبان و اندیشمندان را موجب شد. با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت و در حوزه‌های ری، فارس، همدان و اطراف آنها آثار ارزشمندی پدید آمد و زمینه‌هایی برای تغییر سبک از خراسانی به عراقی ایجاد شد. در این زمان قالب‌های جدیدی نیز در شعر و نثر پدید آمد.

شعر این عصر نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی شد و اکثر شاعران از حاکمان روی برتافتند. در نتیجه قصیده که پیش از این در خدمت ستایش فرمانروایان بود، کمرنگ شد و غزل که زبان دل و عشق بود، گسترش یافت؛ البته قالب مثنوی نیز برای ظهور عاطفه و اخلاق و عرفان میدان فراخی پدیدآورد و در نمونه‌های ارزشمندی مانند مثنوی مولوی، حماسه‌ای عرفانی سروده شد که قهرمانش، انسان پاک‌نهاد و خداجویی است که به نبرد با هوای نفس می‌پردازد.

نثر این دوره بیشتر به دو جریان گرایش پیدا کرد: یکی «ساده‌نویسی» در آثاری مثل طبقات ناصری و مرصادالعباد و دیگر «پیچیده‌نویسی» با محتوای عمدتاً تاریخ حاکمان وقت که آثاری همچون تاریخ و صاف و تاریخ جهانگشای جوینی دیده می‌شود.

معروف‌ترین شاعران و نویسندگان قرن هفتم:

مولانا جلال‌الدین بلخی معروف به مولوی

از شاخص‌ترین شاعران عارف است که در دو محور اندیشه و احساس آثار جاودانه‌ای پدید آورد. او در مثنوی معنوی و دیوان شمس بسیاری از معارف بشری و مسائل عرفانی را بیان کرده است. از میان آثار منثور مولانا فیه ما فیه و مجالس سبعه را مولانا گفته و شاگردانش نوشته‌اند و مکاتیب مجموعه نامه‌های مولانا به قلم خود اوست. مکاتیب، سبک نثر مولانا را بیشتر و بهتر نمودار می‌سازد.

سعدی

فرمانروای مُلک سخن، سی‌وپنج سال گرد جهان گشت، تجربه اندوخت و از هر خرمنی خوشه‌ای چید و گلستان را به نثر مُسَجَّع و بوستان را در قالب مثنوی پدید آورد؛ دو اثر ارزشمندی که به ما درس اخلاق و حکمت را می‌آموزد. استاد سخن نه تنها در ادبیات تعلیمی سخن‌گوی ضمیر خودآگاه ایرانی است، در سرودن غزل‌های عاشقانه نیز سرآمد شاعران و نویسندگان فارسی است. وی در بیشتر قالب‌های ادبی طبع‌آزمایی کرده و شاهکارهای ماندگاری در ادب فارسی به یادگار گذاشته است.

فخرالدین عراقی

از دیگر شاعران نام‌آور قرن هفتم و صاحب غزل‌های عرفانی زیباست. مثنوی عشاق‌نامه او مشهور است. او در هر فصل این مثنوی به یکی از مباحث عرفانی پرداخته و سخن را با تمثیل و حکایت به پایان رسانده است. همچنین در کتاب لُمعات خود سیر و سلوک عارفانه را در قالب نظم و نثر بیان کرده است.

نجم‌الدین رازی معروف به نجم دایه

از مُنشیان و نویسندگان توانا و از عارفان وارسته قرن هفتم است. او کتاب مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد را در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی نوشت. نثر کتاب گاهی ساده و گاه دارای سجع و موازنه است. علاوه بر این نویسنده در خلال موضوعات کتاب، احادیث، آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند. این اثر که نثری شیوا، آراسته و دل‌انگیز دارد در بین متون عارفانه از مرتبه‌ای والا برخوردار است.

عطاءملک جوینی

از نثرنویسان قرن هفتم است. خاندان او از افراد بانفوذ حکومت مغولان بود. وی از نوجوانی به کارهای دیوانی (کارهای اداری دربار) پرداخت و در سفرهای متعددی حضور داشت و اطلاعات فراوانی درباره تاریخ مغولان کسب کرد که موجب تألیف کتاب تاریخ جهانگشا شد. این کتاب در شرح ظهور

چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح نوشته شده است. نثر این کتاب مصنوع و دشوار است.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی

یکی دیگر از چهره‌های علمی و سیاسی در عصر ایلخانان به شمار می‌رود. وی وزیر مقتدر غازان-خان و اولجایتو بود. مهم‌ترین کتاب او جامع‌التواریخ نام دارد که به نثری عالمانه و پخته نوشته شده است. اقدام مهم فرهنگی او تأسیس عمارت ربع رشیدی در تبریز است که در حکم دانشگاه آن زمان بوده است.

ص ۱۶. شمس قیس رازی

از نویسندگان زبردست قرن هفتم است و اثر معروفش، المعجم فی معاییر اشعار عجم از نخستین و مهمترین آثار در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر به شمار می‌رود که نثر او در مقدمه مصنوع و در اصل کتاب، ساده و عالمانه است.

قرن هشتم

در این دوران به دلیل بی‌اعتقادی برخی از ایلخانان مغول و بی‌تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج، فرصتی پدید آمد تا صاحبان مذهب‌های مختلف عقاید خود را ابراز کنند. قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی نیز عرصه وسیعی یافت، به طوری که از شبه‌قاره هند تا آسیای صغیر، بسیاری به این زبان سخن می‌گفتند، ضمن اینکه عراق عجم و مهم‌تر از آن شهر شیراز همچنان در حکم مرکز ادبی این عصر به شمار می‌رفت.

از بین رفتن دربارهای ادب‌دوست ایرانی تبار، از رونق افتادن قصیده‌سرایی را در پی داشت و زبان شعر جز در سروده‌های شاعران شاخص، مانند خواجو و حافظ به سستی گرایید.

خواجوی کرمانی

عبید زاکانی

شاعر خوش ذوق و آگاهی است که نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی او معروف است. شاعری که ناملايمات اوضاع آشفته روزگار خود را برنمی‌تافت و تزویر و ریاکاری حاکمان را در آثارش به تصویر می‌کشید.

او در منظومه **موش و گربه** ناهنجاری‌های اجتماعی را به شیوه طنز و تمثیل بیان کرده است. این شوخ‌طبع آگاه نه تنها در شعر که در نثر نیز دارای طنزهای ماندگاری است و رساله دلگشا، اخلاق‌الاشراف و صدپند از آن جمله‌اند.

حمدالله مستوفی

از مورخان مشهور ایران و نویسنده کتاب **تاریخ گزیده** است. این کتاب تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عباس و تاریخ ایران را تا سال ۷۳۰ه.ق. در بر می‌گیرد.

قرن نهم

بعد از غارت‌ها و ویرانگری‌های مغولان، ایران دستخوش حمله بنیان‌برانداز دیگری شد و بر اثر آن ابنیه فرهنگی، ادبی و اجتماعی کشور یکسره نابود گردید. این حادثه به وسیله تیمور گورکانی صورت گرفت و آنچه را که پس از حمله مغول سال یا نیمه‌سالمانده بود، مثل فارس و یا در زمان ایلخانان مغول (جانشینان چنگیز) مختصر تجدید حیاتی یافته بود، همه از میان رفت.

تیموریان تقریباً از نیمه دوم قرن هشتم تا اوایل قرن دهم در ایران حکومت کردند و ویرانگری‌های آنها ادامه داشت و البته بازماندگان تیمور، همچون بازماندگان چنگیز، کم و بیش از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفتند و بعد از مدتی در ایران متمدن شدند. در عهد آنان، علاوه بر گسترش هنرهای چون مینیاتور، معماری و تذهیب، تاریخ‌نویسی نیز ادامه یافت و ادبیات رونقی تازه گرفت، کسانی مانند جامی و دولت‌شاه کتاب‌های ارزشمندی نوشتند؛ هر چند این رونق، بنیادی نبود و کتاب‌های تحقیقی این دوره عمدتاً سطحی و ادبیات دوره نیز تقلیدی و فاقد نوآوری بود.

پس از مرگ تیمور، شاهرخ توانست شهر هرات را مرکز فرمانروایی خود قرار دهد. او با علاقه‌ای که به هنر و فرهنگ اسلامی پیدا کرده بود، از هنرمندان خوش‌نویس، نقاش و شاعر حمایت نمود.

بایسنقر میرزا، پسر شاهرخ نیز هنرمند و هنردوست بود و در زمان او هنرمندان، قرآن کریم و شاهنامه فردوسی را به خط خوش نگاهشتند و با تصاویری زیبا آراستند و آثاری ماندگار از هنر اسلامی عرضه کردند.

از شاعران و نویسندگان معروف این دوره افراد زیر را می‌توان نام برد:

جامی

معروف‌ترین شاعر قرن نهم، کتاب بهارستان را به تقلید از گلستان سعدی نوشت و در کتاب نفحات-الانس خود نیز شیوه تذکره‌الاولیای عطار را در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان به کار برد. او همچنین مثنوی‌هایی به پیروی از نظامی سرود که تحفه‌الاحرار یکی از آنهاست:

گفت به مجنون صنمی در دمشق کای شده مستغرق دریای عشق
عشق چه و مرتبه عشق چیست؟ عاشق و معشوق در این پرده کیست؟
عاشق یک‌رنگ و حقیقت‌شناس گفت که ای محو امید و هراس
نیست به حز عشق در این پرده کس اول و آخر همه عشق است و بس

شاه نعمت الله ولی

از دیگر شاعران قرن نهم است که در تصوف و طریقت مقامی بلند داشته و سر سلسله صوفیان نعمت‌اللهی به شمار می‌رود. دیوان شعرش مضامین عرفانی دارد.

دولت‌شاه سمرقندی

از نویسندگان قرن نهم است که تذکره دولت‌شاه را به تشویق امیرعلیشیر نوایی نوشته است. این کتاب شرح احوال بیش از صد تن از شاعران ایرانی از آغاز تا زمان مؤلف است.

نمونه سؤال

۱. چه عواملی زمینه‌های تغییر سبک را پدید آورد؟

عوامل سیاسی و اجتماعی مانند

۱. روی کار آمدن غزنویان

۲. روی کار آمدن سلجوقیان

۳. تغییر مرکز ادبی از خراسان به عراق عجم (مرکز ایران)

۲. سبک‌های ادبی را تا قرن دهم به ترتیب نام ببرید.

خراسانی، بینابین، آذربایجانی و عراقی

۳. سبک عراقی در چه محدوده زمانی‌ای بر ادبیات فارسی غالب بود؟

اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم به مدت ۳۰۰ سال

۴. مغول‌ها چه زمانی به ایران حمله کردند؟

سال ۶۱۶ هجری قمری = اوایل قرن هفتم به نواحی مرزی حمله کردند و به تدریج نواحی دیگر را گرفتند.

۵. حمله مغول در چه زمینه‌هایی به ایران آسیب وارد کرد؟

به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی آسیب عمده رساند.

خراسان که کانون فرهنگی ایران بود، ویران شد

مدارس که مهد علم و فرهنگ بودند، از بین رفتند.

بزرگانی چون نجم‌الدین کبری و فرید الدین عطار نیشابوری و ... کشته شدند

۶. کدام بزرگان در حمله مغول کشته شدند؟

۱. نجم‌الدین کبری

۲. فریدالدین عطار نیشابوری

۳. کمال‌الدین اسماعیل/مداح جلال‌الدین خوارزمشاه در سال ۶۳۵ در اصفهان

۷. شعر از کیست؟ کس نیست مه تا بر وطن خود گرید / بر حال تباه مردم بد گرید

دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود / امروز یکی نیست که بر صد گرید

کمال‌الدین اسماعیل